

احمد زیدآبادی و برداخت هزینه ایستادگی (<https://www.radiozamaneh.com/220229>)

رضا حاجی حسینی

([balatarin#](#)/) ([google_plus#](#)/) ([twitter#](#)/) ([facebook#](#)/)

https://www.addtoany.com/add_to/email?

[%B4%D8%8C%20%DA%AF%D9%81%D8%AA%E2%80%8C%D9%88%DA%AF%D9%88%20%D9%88%20%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84](#)



[A7%D8%AF%D8%AA%20%D9%87%D8%B2%DB%8C%D9%86%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C](#)

یکی از سنگین ترین حکم‌ها در دادگاه‌های رسیدگی به اتهام‌های متهمان حوادث پس از انتخابات جنجال برانگیز ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ که از آن‌ها با عنوان دادگاه‌های «نمایشی» یاد می‌شود، برای او صادر شد: احمد زیدآبادی.



(<https://www.radiozamaneh.com/220229/2-45>)

احمد زیدآبادی در دادگاه نمایشی پس از انتخابات ۱۳۸۸

او که حالا به «شرف اهل قلم» معروف شده است، تا صبح روز پنج‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه برای گذراندن محکومیت شش ساله خود در زندان رجایی شهر کرج به سر می‌برد. زیدآبادی بلافاصله پس از پایان این دوران، برای اجرا شدن حکم پنج سال تبعیدش، به شهرستان گناباد فرستاده شد.

بیشتر بخوانید: [احمد زیدآبادی بلافاصله پس از آزادی به گناباد تبعید شد \(https://www.radiozamaneh.com/220106\)](https://www.radiozamaneh.com/220106)

یکی از مسائل قابل توجه و نقد در انتقال زیدآبادی به گناباد این است که بر اساس خبرهای منتشر شده، هزینه‌های اجرای این حکم و انتقال او به شهر گناباد (هزینه وسیله نقلیه و مأمور همراه) از خود او گرفته شده است. این جریان البته در قوه قضاییه مسبوق به سابقه است و چه بسا مدت‌هاست که محکومان و متهمان، خود هزینه جابه‌جایی و انتقال از شهری به شهر دیگر را می‌پردازند.

شهرستان گناباد در استان خراسان رضوی قرار دارد و زیدآبادی باید هر روز خود را به فرمانداری این شهر معرفی کند.

محکومیت زیدآبادی اما به حبس و تبعید خلاصه نمی‌شود. او که به عنوان دبیرکل سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) در خرداد ماه ۱۳۸۸ دستگیر شد، پس از گذراندن چند ماه انفرادی، در آذر ماه سال ۱۳۸۹ از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی پیرعباسی، به شش سال زندان، پنج سال تبعید به گناباد، محرومیت دائمی از هر گونه فعالیت سیاسی و شرکت در احزاب و هواداری و مصاحبه و سخنرانی و تحلیل حوادث، به صورت کتبی یا شفاهی محکوم شد.

نازنین متین‌نیا، روزنامه‌نگار مقیم ایران، در صفحه فیس‌بوک خود با اشاره به حقوقی که از احمد زیدآبادی گرفته شده، نوشته است: «شاید حالا وقتش رسیده که از وزیر محبوب سینمایی‌ها، اهالی موسیقی و اندکی هم کتاب و تجسمی بپرسیم چه فرقی است میان ارادت او به هنرمندان چهره با روزنامه‌نگار باشرف و باسوادی مثل زیدآبادی؟»

متین‌نیا رسیدگی به وضعیت احمد زیدآبادی توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عنوان خواسته‌ای صنفی مطرح کرده است اما پرسش این است که چرا دستگاه قضایی در ایران چنین حکم سنگینی برای این زندانی سیاسی صادر کرده و چرا این چنین با او رفتار می‌کند؟



<https://www.radiozamaneh.com/220106/ahamd-zeidabadi-2>

احمد زیدآبادی در حال انتقال به کتاباد با هزینه شخصی

سازمان گزارشگران بدون مرز در بیانیه‌ای که روز جمعه، ۲۲ ماه می/ دوم خرداد ماه صادر شده، علت این رفتار با زیدآبادی را کینه‌توزی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی دانسته و آن را محکوم کرده است.

رضا معینی، مسئول بخش ایران و افغانستان سازمان گزارشگران بدون مرز در این باره گفته است: «این محرومیت‌ها با اصل‌های ۱۲ و ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضاکنندگان آن است، مغایر هستند. احمد زیدآبادی باید در کنار خانواده خود بماند و بتواند آزاده فعالیت‌های حرفه‌ای خود را از سر گیرد.»

او همچنین گفته است: «ما بار دیگر اقدام‌های سرکوبگرانه دستگاه قضایی ایران را محکوم می‌کنیم. جمهوری اسلامی ایران یکی از سرکوبگرترین کشورهای جهان است که نه تنها به بازداشت‌های خودسرانه و محکوم کردن در دادگاه‌های ناعادلانه بسنده نمی‌کند، که شهروندان را با مجازات‌های تکمیلی، محروم از حقوق خود و محکوم به سکوت همیشگی می‌کند.»

روزنامه‌نگارها و تحلیل‌گران از طیف‌های مختلف اما نقطه نظرات کم و بیش همانندی درباره نحوه برخورد دستگاه قضایی با احمد زیدآبادی دارند. آن‌ها این برخوردها را ناعادلانه و برآمده از ساختار امنیتی و فساد حاکم در نظام جمهوری اسلامی می‌دانند.

رضا حقیقت‌نژاد، روزنامه‌نگار مقیم ترکیه در پاسخ به این سوال که به نظر او چرا دستگاه قضایی چنین برخوردی با احمد زیدآبادی دارد، به رادیو زمانه می‌گوید: «تحلیل محتوای واکنش نظام مستقر علیه روزنامه‌نگاران، نشان می‌دهد رفتار حکومتی و قضایی رابطه مستقیمی با میزان شجاعت و تاثیرگذاری روزنامه‌نگاران مورد هدف داشته است. به طور طبیعی هر گاه نتیجه محاسبه ساختار امنیتی و نظامی به این منجر شده که فرد از اراده و انگیزه کافی برای تداوم فعالیت‌هایش برخوردار است و همچنین از قدرت نظری یا پشتوانه اجتماعی و محبوبیت کافی برای تاثیرگذاری، نقطه ثقل شدن یا محوریت دادن به یک شبکه برخوردار است، میل بیشتری برای تحدید و تهدید وجود او بروز یافته است.»



<https://www.radiozamaneh.com/220229/reza-haghghat-nejad>

رضا حقیقت‌نژاد

به نظر حقیقت‌نژاد برخورد با احمد زیدآبادی از این منظر قابل درک است و او تاوان ایستادگی، شجاعت، دانایی، تاثیرگذاری و صداقتش را می‌پردازد.

بر حلیب آگاهی و مسئولیت

احمد زیدآبادی دیگر تنها یک مرد رسانه، یک فعال ملی-مذهبی یا یک فرد مورد وثوق دانشجویان و دانشگاه نیست. او تبدیل به نماد شده است اما نه از نوع نمادهای ساخته تبلیغات هدفمند که هر روزه اینجا و آنجا سر بر می آورد.

احمد زیدآبادی، در کوره زمان و مکان خود پدید آمده است و چنان قدر و ارزشی یافته که با فاصله‌ای غیر قابل باور با دیگران در اوج قرار گرفته است. هم خود و تاریخ پرمارت زندگی اش و هم مجازاتی که برایش در نظر گرفته‌اند به نماد و نشانه‌ای تبدیل شده است.

او را می توان از جمله مومنان حقیقی به رسالت قلم و آگاهی در طول سه دهه فعالیت مطبوعاتی اش به حساب آورد که در میان میدان داران زخم خورده و مارت کشیده قبیله قلم، بی‌بدیل، نشانه‌ای از آگاهی، مسئولیت و نشر است.



<https://www.radiozamaneh.com/203473/si/>

(amak-ghaderi)

سیامک قادری، روزنامه‌نگار مقیم آمریکا

در زمانه‌ای که دستگاه‌های دست اندر کار برکشیدن نمادهای دروغین، با صرف بودجه‌های هنگفت، ساخته‌های خود را در فضای حقیقی یا مجازی تبلیغ می‌کنند، انسانی از نوع احمد زیدآبادی به همت حس مسئولیت‌پذیری و ایمان به رسالت آگاهی بخشی اش، بروز می‌کند، در دانشگاه، عرصه فعالیت سیاسی و روزنامه‌نگاری می‌درخشد و سرانجام در سویه مقابل سه گانه "زر"، "زور" و "تزویر"، به صلیب کشیده می‌شود.

مجازات "زندان"، "تبعید" و "ممنوعیت از فعالیت سیاسی، شرکت در احزاب، مصاحبه، سخنرانی و تحلیل حوادث" او را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد.

باور دارم برای دادگاهی که زیدآبادی را محاکمه کرده نیز بسیار سخت بوده تا چنین دستوری به شکنجه را با "زندان"، محرومیت جامعه مخاطب از ارتباط را با "تبعید" و تضمین ادامه فساد و تباهی حکام را با "ممنوعیت از فعالیت سیاسی، شرکت در احزاب، مصاحبه، سخنرانی و حتی تحلیل حوادث"، صادر کند.

اگرچه پیشتر این دست دادگاه‌ها در طول افزون بر ۱۰۰ سال مبارزات آزادی خواهانه علیه انواع دیکتاتوری، با صدور مجازات‌هایی سنگین، غیض و دشمنی خود را با دانشجویان، فعالان ملی-مذهبی و روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و حقوق بشر به طور مجزا نشان داده است، اما دادگاه احمد زیدآبادی، ناگزیر است با صدور چنین حکم رسوایی، وجوه مختلف وجودی این نماد را به مجازات کشانده تا خود به نماد بیدادگری و ستم‌گریان حاکمیت علیه هر گونه اعتراض و آگاهی تبدیل شود.

حکومتی که بنا و بنیان خود را بر فضیلت و کرامت انسانی و دینی بنیان نهاده بود، وقتی در عرصه عمل دستاوردی جز تباهی، فساد، ناکارآمدی، عدم مشروعیت و در نهایت تخریب بنیان‌ها و نهادهای دموکراتیک نمی‌بیند، چه کسی را بزرگ‌ترین دشمن خود نشانه‌گذاری می‌کند؟

روزنامه‌نگاری که امروز در مقابل حیرت و بهت ایران و جهان به صلابه کشیده می‌شود، مجازات می‌شود به این دلیل که فضیلت‌های دروغین یک حکومت دینی را نه در یک ساختار دارای منافع و قدرت که در "انسان" نشان داده و بازتعریف می‌کند و از همین روست که سر بر آوردن در میان نمادهای دروغین، مستوجب عقوبتی سخت می‌شود، هر چند که این عقوبت بیش از آن که تشفی کین زخم خوردگان شود، آبروی حاکمان را ببرد.

مجازات احمد زیدآبادی، مجازات فضایل انسانی است و مقابله با طایفه‌ای است که خلاف میل حکام، او را "شرف اهل قلم" خوانده و داغ دروغ، فساد، تقلب، خشونت و جنایت را بر پیشانی دستگاهی می‌زند که متزلزل بر اریکه مذهب، قدرت اقتناع شهروندان را به نمادهای ساده صداقت و شرافت، واگذار کرده است.

احمد زیدآبادی نماد اعتبار و تفوق و برتری انسان در جامعه نوین ایران در مقابل موجودی ماورایی به نام رهبر است.

دست کم سه عامل باعث می شود تا فردی مانند احمد زیدآبادی، فشارهای یک حکومت استبدادی مانند جمهوری اسلامی را اندکی بیش از معدل ظلمی که طی سال های اخیر بر همکاران و هم صنفی های ما در ایران رفته است، تحمل کند. دو عامل یعنی «دانش و نفوذ کلام منبعث از آن» و «شجاعت و ایستادگی بر آرمان» به خصوصیات فردی او بازمی گردد و عامل دیگر «فساد مطلق دستگاه های امنیتی و قضایی» است که فشارها را دو چندان می کند.

زیدآبادی در بُعد دانش و تسلط بر آن چه می نوشت، مثال زدنی بود (از فعل ماضی استفاده می کنم چرا که به فتوای یکی از مفتیان ظلم، نوشتن و انتشار بر او حرام است).

نظام های خودکامه از اطلاعات شفاف و تحلیل متین قلمی که احترام مخاطب را برانگیزد، به مراتب بیش از یک مجری کم سواد شبکه ای تلویزیونی که با آمیزه ای از اطلاعات راست و دروغ، به سراپای یک نظام ناسزا بگوید، هراس دارند. شاید بهتر باشد بگوییم که چه بسا به دومی نیاز هم دارد!



من سابقه آشنایی با احمد زیدآبادی را که برنده جایزه جهانی آزادی مطبوعات گیلرموکانو برای «شجاعت، ایستادگی و تعهد بی نظیر به آزادی بیان» شد، ندارم اما می توانم دلیل تصمیم ۱۲ کارشناس بین المللی مستقل رسانه ای را برای اعطای این جایزه با تمام وجود درک کنم.

وقتی که او نامه ای سرگشاده و انتقادی به رهبر نظام جمهوری اسلامی می نویسد و خود می داند که با ورود به این حیطة، عبور از خط قرمز پررنگی را رقم می زند که کمترین اثر آن ضرب و شتم و شکنجه وحشیانه در زمان بازجویی است، بر کارش نامی جز شجاعت نمی گذارم و سر باز زدن از توبه و عذرخواهی را ایستادگی او بر آرمان می دانم. تمامی این ها می تواند برخاسته از روحیه ظلم ستیز و سلامت نفسی باشد که امنیتی ها از آن و اثرگذاری صاحب چنین روحیه ای بر اجتماع، واهمه دارند.

پیشتر نوشتیم «فتوای یکی از مفتیان ظلم» - و نه حکم قاضی - چرا که قاضی را دست کم «علم و عدالت» بایسته است. نمونه شاخص قاضی عالم در نظام اسلامی کیست؟ سعید مرتضوی که در ۱۹ سالگی دادیار شد و در ۲۰ سالگی رییس دادگاه و زیدآبادی و همکاران او را به بند کشید یا احمد توکلی که بدون کمترین سابقه تحصیلی دادیار و دادستان انقلاب بود و احکام قطع ید و حد زنا را در بهشهر جاری می ساخت؟ نمونه عدالت کیست؟ شیخ صادق خلخالی که متهمان را به صف ردیف می کرد و به صورت زوج یا فرد به جوخه های اعدام می سپرد؟ آیا می توانیم از جمع علم و عدالت، مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری کنونی را مثال بزنیم که در ۲۰ سالگی دادستان شد و چند سال بعد با حضور در هیأت مرگ، پاسخ به یک سوال را مبنای کشتار جمعی زندانیان سیاسی قرار داد؟ در چنین سیستمی است که باید عالم سخنور شجاع را به اشد مجازات ممکن محکوم کرد تا جهل و بی عدالتی بر سر کار بماند.

باری! احمد زیدآبادی قربانی قضات فاسدی است که تمام چیزهایی که او دارد، از علم و استقلال رأی تا شجاعت و سلامت نفس، آن ها ندارند. احمد زیدآبادی هزینه می دهد تا مصداق این سخن ناصر خسرو باشد که گفت:

من اندر جستن نیکو سخن تن را بفرسودم

سرم زین فخر در حکمت همی بر چرخ ازین ساید

حکیم آن است کاو از شاه نندیشد، نه آن نادان

که شه را شعر گوید تا مگر چیزیش فرماید

وضعیت اجتماعی، کماکان قرمز

شجاعت زیدآبادی از جمله ویژگی های فردی اوست که به نظر می رسد درباره آن اتفاق نظر وجود دارد.

احمد جلالی فراهانی، روزنامه‌نگار و مستندساز مقیم دانمارک درباره زیدآبادی به رادیو زمانه می‌گوید: «احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار شجاعی است که ابایی از گفتن حقایق ولو به قیمت پرداخت هزینه‌های سنگین برای آن ندارد.»

جلالی فراهانی که فیلم مستند «ما روزنامه‌نگاریم» را ساخته است و احمد زیدآبادی و شجاعت او را هم در این فیلم به تصویر کشیده است، در ادامه می‌گوید: «به نظر من حکومت به همان دلیلی احمد زیدآبادی را به تبعید پنج ساله می‌فرستد که میرحسین موسوی و مهدی کروبی را از حصر خارج نمی‌کند. یعنی ترس ناشی از بازگشت رهبران جنبش سبز به میان مردم. از طرفی حکومت این نکته را هم به خوبی می‌داند و لمس می‌کند که مردم و جامعه ایران بالقوه در وضعیت انفجاری قرار دارند، یعنی تمام تلاش‌های رژیم برای سرکوب فعالان مدنی بی‌نتیجه مانده است.»

جلالی فراهانی معتقد است که شرایط بد اقتصادی و نارضایتی عمومی ضریب این ترس را به طور بی‌سابقه‌ای در میان نهادهای امنیتی حکومت افزایش داده است و در این شرایط که تکلیف مذاکرات هسته‌ای هم چندان مشخص نیست، رژیم جرات باز کردن فضای رسانه‌ای و اجتماعی، حتی به صورت محدود را ندارد.

او بر اساس این مقدمه نتیجه می‌گیرد که «در چنین شرایطی چه بهتر که روزنامه‌نگارانی نظیر زیدآبادی که در نزد مردم بیشتر از آنکه روزنامه‌نگار باشند، لیدر اجتماعی محسوب می‌شوند، از تماس و رودرویی مستقیم با طبقه متوسط اجتماعی و شهروندانی که این طبقه را نمایندگی می‌کنند، دور نگه داشته شوند.»



<https://www.radiozamaneh.com/220229/ahmad-jalili-farahani>

(jalili-farahani)

احمد جلالی فراهانی

احمد زیدآبادی اما در کتاباد چه خواهد کرد و زندگی‌اش را چگونه خواهد گذراند؟

یک منبع آگاه در این باره به سایت کلمه گفته است که «آقای زیدآبادی باید در تبعید هزینه زندگی خود را تامین کند. اما اینکه از چه راهی، جمهوری اسلامی به آن فکر هم نکرده است، زیرا آقای زیدآبادی را از فعالیت در رشته تخصصی‌اش که نوشتن و تحلیل مسائل روز جامعه و روزنامه‌نگاری است، به طور مدام‌العمر محروم کرده‌اند.»

به نظر می‌رسد آن چه در تبعید و انتقال سریع زیدآبادی به کتاباد مورد توجه بوده است، تحت کنترل و نظر قرار دادن سریع این زندانی سیاسی سابق و تبعیدی فعلی است.

جلالی فراهانی در این باره می‌گوید: «کنترل امثال زیدآبادی در منطقه محروم و دور افتاده‌ای نظیر کتاباد که جمعیت پرشماری هم ندارند برای رژیم راحت‌تر و ساده‌تر است.»

این روزنامه‌نگار معتقد است نهادهای امنیتی که قوه قضاییه را در اختیار خود دارند قصد ندارند تا شرایط اجتماعی را به وضعیت عادی و سفید برگردانند چون می‌دانند چنین اتفاقی حرکت جریان‌های زیرزمینی را تندتر می‌کند: «چنانچه شرایط اجتماعی در ایران وضعیت سفید اعلام شود، عملاً کسانی که در پنج سال گذشته به واسطه امنیتی شدن اوضاع به مکنت و ثروتی رسیده‌اند، موقعیتی غیر لازم پیدا خواهند کرد و باید با صحنه قدرت و مافیای ثروت خداحافظی کنند.»

(email#/) (print#/) (balatarin#/) (google plus#/) (twitter#/) (facebook#/)



[A7%D8%AE%D8%AA%20%D9%87%D8%B2%DB%8C%D9%86%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C](https://play.google.com/store/apps/details?hl=en)

<https://play.google.com/store/apps/details?hl=en>



زمانه همراه شماست
اپلیکیشن اندروید رادیو زمانه



(id=com.radiozamaneh.rss)

